

گنجینه خاورشناسی



پیش درآمد [۱]

بنیاد دستنوشته‌های قدیمی به زبان‌های شرقی در کتابخانه‌های روسیه [۲] بزرگترین کلکسیون در اروپا می‌باشد. در کتابخانه دولتی روسیه در مسکو و کتابخانه ملی روسیه در سنت پترزبورگ، اسنادی که در کشورهای اسلامی نوشته شده‌اند حدود ۵۰ هزار نسخه می‌باشند که در این کتابخانه‌ها نگهداری می‌شوند. این اسناد از مکاتبات شاهان پارس و سلطان‌های ترکیه، کلکسیون نسخه‌های قرآن، نوشته‌های تجاری، نامه‌ها و اسناد ثبت که در آنها مراحل حقوقی و خیلی چیزهای دیگر به ثبت می‌رسند، تشکیل شده است.

از بیش از ۱۰۰۰ دستنوشته فارسی، ۱۴۰ تا آنها با تصاویر مینیاتوری تزیین شده‌اند. از با ارزش‌ترین نمونه‌ها می‌توان از شاهنامه بسال ۱۳۳۳م نام برد که با تصاویر مینیاتوری بهزاد محمدی و رضا عباسی خوشنویسان مشهور تبریزی تزیین شده است. دستنوشته‌های فارسی نه فقط به علت تزیینات مینیاتوری آنها و خوشنویسی جذاب هستند، بلکه طراحی آنها باعث شگفتی می‌شوند. حاشیه‌های زیبا جلد‌های لاک‌ی و تزیینات نقش دار. تمام این ثروت‌های دستنوشته‌های باستانی امکانات زیادی برای نسخه شناسان روسیه و ایرانی و متخصصانی می‌گشاید که به مطالعه دستنوشته‌های باستانی، مشغول هستند.

حسین متقی، محقق مشهور دستنوشته‌ها از ایران در این باره برای شنوندگان [رادیو صدای روسیه] تعریف می‌کند. وی همراه علی صدرايي‌نیا چندی پیش از مراکز خاورشناسی مسکو و سنت پترزبورگ دیدن کرد [۳].

- آقای متقی، شما چندی پیش از مسکو و سنت پترزبورگ بازدید کردید و از آنجایی که می‌دانم با مهمترین مراکز ایرانشناسی، کتابخانه‌های برجسته روسیه ملاقات داشتید، آیا این سفر به مسکو و پترزبورگ، برای شما ارزش خاصی دارد؟ نظر شما چیست از این سفر به مسکو و پترزبورگ؟

- من هم به نوبه خویش از شما و همکاران محترمان در بخش فارسی رادیو روسیه، تشکر می‌کنم؛ در واقع بعد از ۲۵ سال، این نخستین بار است که صدای رادیو روسیه، را می‌شنوم؛ چون تقریباً یکی - دو سال منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، با اینکه خردسال و حدوداً ده ساله بودم، اما از روی کنجکاوی و برای آگاهی از اخبار وضعیت حساس کشور، به همراه پدر، به طور

پیوسته، هر شب، یکی رادیوی بی بی سی در لندن و دیگری هم رادیو مسکو را گوش می‌دادیم؛ پدر بر این باور بود که با توجه به سانسور خبری در کشور، از تلفیق اخبار این دو رادیوی منتسب به دو جریان کاپیتالیستی و سوسیالیستی حاکم بر آن دوره، تا حدودی می‌توان مجموعاً خبری درست دریافت کرد؛ برآستی عجیب است، با اینکه سی و پنج - شش سال از آن تاریخ می‌گذرد، برای نمونه هنوز گویا صدای جدّاب خانم داگمارا، مجری پیشکسوت برنامه‌های بخش فارسی رادیو مسکو، در گوش بنده طنین انداز است که در شب ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، پس از قتل عام مردم در میدان ژاله می‌گوید: <... سربازان شاه به سوی تظاهرکنندگان آتش گشودند ...>! در این سفر به روسیه، تصمیم داشتم، به هر قیمتی شده - این خانم مجری، که می‌بایست اکنون که نسیال بوده باشد - را ملاقات نمایم؛ برای این منظور با خانم آیدا سوبولوا که خبرنگار بخش روسی صدای ایران است، این موضوع را مطرح کردم، ایشان هم پی گرفتند، اما با خبر شدیم، متأسفانه ده روز پیش از این، این مجری پرواز و صاحب نام، که دانش آموخته به زبان فارسی بود، در سنّ نود سالگی، درگذشته است!

اما نسبت به سفر ما به روسیه، باید عرض کنم که تخصص و حوزه کاری ما نسخه‌های خطّی است، از آنجا که امروزه حدّاق، در حدود پنجاه هزار عنوان نسخه خطّی، به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی در کتابخانه‌های روسیه نگهداری می‌گردد و نیز وجود ده‌ها هزار نسخه خطّی روسی، که برخی از آنها حقیقتاً در حوزه مشترکات فرهنگی و تاریخی بین دو ملت در واقع ایران و روسیه قابل تعریف است؛ بله، طبیعتاً وجود اینها، ما را به سمت همکاری‌های بیشتر، بین دو ملت کهن و دو همسایه با مشترکات فرهنگی تاریخی فراوان، یعنی ایران و روسیه، تشویق و ترغیب می‌کند. الحمدلله با پیش فرض تبیین برخی ظرفیت‌های فرهنگی مشخصاً با محوریت همین نسخ خطّی، با دعوت رسمی رایزن محترم ایران در مسکو، جناب آقای دکتر ابراهیمی ترکمان و با زحمات و هماهنگی‌های عزیزان رایزنی جمهوری اسلامی ایران در روسیه و بنیاد ایران شناسی در مسکو، با همراهی سرورم آقای صدراپی‌نیا، سفری به دو شهر مسکو و سن پترزبورگ داشتیم؛ می‌دانید عمده تمرکز فیزیکی نسخه‌های خطّی اسلامی در روسیه، بیشتر در این دو شهر است و البته در مراحل بعدی جمهوری‌های داغستان و تاتارستان؛ ولی به لحاظ کمی و کیفی، بدون تردید، شهر فرهنگی سن پترزبورگ، بیشترین نسخ خطّی را دارد و بخصوص این شهر، می‌تواند زمینه همکاری‌های علمی و فرهنگی متعددی را بین فعالیت‌های دانشگاهی بین این دو کشور همسایه، فراهم کند.

الحمدلله سفر خیلی خوبی بود، این سفر بیشتر در تکمیل پروژه ترجمه فارسی ده جلد فهرستی بوده است که طی شصت سال، خود روسها، شخصیت‌های برجسته‌ای مانند ماکلای و آکیموشکین، در معرفی نسخه‌های خطّی فارسی انستیتو دستنویس‌های شرقی در سنت پترزبورگ، نوشته بودند و اینک قرار بود، برای بهره‌مندی محققان ایرانی از این داده‌های ارزشمند، ترجمه فارسی این فهرستها، به همت بنیاد ایران شناسی مسکو و با آقای دکتر حیدرینیا، ریاست بنیاد و تلاشهای همکاران ایشان و مترجمان جوان، منتشر گردد. خوشبختانه در مدت پانزده روزی که در شهر علم و دانایی، پترزبورگ بودیم، با همراهی محبت آمیز مدیران و همکاران محترم انستیتوی مذکور، بخصوص مدیر محترم این انستیتو خانم دکتر ایرنا پاپوا و معاونت محترم ام مؤسسه، آقای پروزوروف، به جهت ضیق وقت، تنها نسخ خطّی فارسی معرفی شده در جلد چهارم فهرست مذکور را بازبینی نماییم. ما توانستیم در طی این مدت، همچنین از چند مرکز علمی، مانند دانشگاه سنت پترزبورگ، بازدید کنیم و در واقع متوجه شدیم که آن مقدار که ما فکر می‌کردیم که روسیه نبایستی منابع پژوهشی و تحقیقی مرتبط با نسخ خطّی داشته باشد، مطلع شدیم که این فکر تقریباً نه تحقیقاً اشتباه بوده است و در واقع به جهت وجود منابع سرشار ترائی، زمینه‌های پژوهشی بسیار بالایی در این کشور وجود دارد و قطعاً می‌تواند زمینه همکاری‌های پژوهشی و علمی بین مراکز علمی و آکادمیک دو کشور را، بخصوص در مطالعات تاریخی، فراهم کند.

- جناب آقای متقی! آیا به نظر شما می‌توان گفت که همکاری با کارشناسان در رشته نسخه‌شناسی، بین ایران و روسیه به سطح بالایی رسیده است؟ یا سطح‌های دیگری هست؟ آیا امکانات دیگری هست برای تحکیم کردن این روابط فرهنگی؟

- خدمت شما عرض کنم که دانشمندان، خاورشناسان، ایران‌شناسان و پژوهشگران هر دو طرف ایران و روسیه - به قطع بگویم - هنوز شناختی از ظرفیت‌های علمی - فرهنگی همدیگر ندارند و خب البته، این امر تا حدودی هم طبیعی است، شما می‌دانید تا زمان فروپاشی شوروی در سال‌های ۱۹۹۰-۹۱، به جهت ملاحظات سیاسی ما با شوروی سابق، ما در ایران، تقریباً فضاهای علمی و فرهنگی روسیه برای ما بسته بود و ما در واقع شناختی از آن حوزه‌ها و ظرفیت‌های علمی نداشتیم، البته بعد اینکه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، خب این با این رفت و آمدهای علمی، زمینه شناخت - نه البته کامل - بلکه نسبت به گذشته خب خیلی زیادتر شده است، ولی به نظرم - اگر نگویم مطلقاً بلکه به صورت نسبی - ما از ظرفیت‌ها، زمینه‌ها و فضاهای علمی یکدیگر شناخت عمیق و دقیقی نداریم و البته تاکنون کارهایی صورت گرفته و پژوهشهایی انجام گرفته، بخصوص در زمینه نسخه‌های خطی، اما ناکافی است و پژوهشهای فراتری به لحاظ کمی و کیفی نیاز هست.

گاهی هنوز در بحث‌های آماری نسخ خطی، بحث اینکه مثلاً چه مقدار نسخه خطی فارسی در کتابخانه‌های روسیه وجود دارد، ما هنوز آمار دقیقی نداریم، این البته اختصاص به ما ایرانیان ندارد، حتی بر اساس پرس و جویی هم که از متخصصین امر در روسیه صورت گرفت، به جهت اینکه تمامی مجموعه‌های فارسی موجود در جای جای روسیه، هنوز فهرست نشده‌اند، به این دلیل، حتی خود روسها هم آمار دقیق از نسخ خطی فارسی موجود در روسیه ندارند، اما بر اساس بررسی‌هایی که بنده انجام دادم فکر می‌کنم دست کم بین ده تا بیست هزار عنوان نسخه خطی فارسی در کتابخانه‌های عمومی و مجموعه‌های خصوصی در روسیه باشد و به نظرم می‌رسد که اینها باید معرفی شوند و فکر می‌کنم رادیو صدای روسیه، به تدریج می‌تواند، در قالب گزارش‌های خبری، در شناساندن این ظرفیت‌های علمی، نقشی محوری داشته باشد. خب می‌دونید به هر حال این دو کشور تاریخی با تمدن کهن حداقل هزار ساله‌اش دست کم در هزار سال اخیر مشترکات فراوانی داریم، به جهت همسایه بودن، تاریخمان و فرهنگمان، در بسیاری از نقاط و مقاطع تاریخی، به هم گره خورده و درهم تنیده است و بخشی از محصولات که می‌تواند زوایای این تاریخ را روشن سازد، در صفحات همین میراث فکری آمده است که بایستی استخراج گردد، اینگونه نیست که این دستنویس‌ها، به مسلمانها اختصاص داشته باشد، نه! بلکه در میان آنها آثار مخطوط فراوانی می‌توانید مربوط به روسیه و فرهنگ روسیه، مانند تاریخ داغستان، مانند دربندنامه، پیدا نمایید که پرده از بخشی از تاریخ روسیه را برمیدارند و همینطور است نسبت به نسخ خطی روسی که متأسفانه در مراکز علمی ایران، این موضوع به شدت مورد غفلت قرار گرفته است، قطعاً در میان دستنویس‌های روسی هم نسخه‌هایی می‌توان یافت که با فرهنگ ایران مرتبط است که به هر حال بایستی مورد بررسی علمی قرار گیرند.

این آثار دستنویس، چه فارسی، چه عربی، چه ترکی و چه روسی، همه و همه، میراث فکری اندیشمندان دو کشورند، قطعاً هر یک به سان چراغی، بخشی از تاریخ و گذشته ما را روشن می‌سازند، بدون تردید بر فرهیختگان هر دو کشور فرض است که در زمینه معرفی و فهرستنویسی، تصحیح و نشر متون کهن و متن پژوهشی آنها تلاش نمایند و آن داده‌های خاموش را به نوعی وارد حوزه‌های پژوهشی نمایند. در کنار متون کهن اسلامی، ما با انبوهی از متون که به زبان روسی مواجهیم که می‌توانم بگویم، بخشی به جهت فضای بسته تاریخی روسیه در دوره کمونسیتی و بخشی نیز به جهت عدم تمایل روسها برای انتشار این داده‌ها با زبان و فرمت بین‌المللی نیز ضعف کلی در کتابخانه‌ها و مراکز علمی این کشور، در ارائه اطلاعات از طریق رایانه و اینترنت و از طرف دیگر، عدم آشنایی ایرانیان با زبان روسی، این عوامل و موانع دیگر، منجر به این شده است که ما تقریباً در مراکز علمی کشورمان ایران، از محتوای هزاران دستنویس روسی تقریباً هیچ خبری نداشته باشیم و تقریباً نه، بلکه تحقیقاً می‌شود گفت، در مراکز علمی ایران روی متون کهن و نسخ خطی روسی تاکنون، هیچ پژوهش جدی صورت نگرفته است، حال آنکه می‌دانیم، بخشی از این آثار در زمینه‌های تاریخی است، بخشی سفرنامه‌هایی است که خود روسها نوشته‌اند، طبیعتاً در این میانه اسناد مشترک

فراوانی مربوط به یکدیگر در مراکز علمی دو کشور موجود است که برای روشن شدن بسیار از مقاطع تاریخ دو کشور مطالعه آنها ضروری است. میدانید ما در مراکز آرشیو اسنادی دو طرف، ما انبوهی از اسناد تاریخی کهن داریم که بایستی به تدریج از سوی تیمهای متخصص متون کهن و اسناد، معرفی شوند و به تحقیق این مواد ناب ولی خام، می‌تواند زمینه‌های پژوهشی و تحقیقی ارزشمندی را فراهم کند.

به در این میان به نظر می‌رسد بخصوص طرف روسی، تلاش بیشتری باید بنماید، به نظر آنگونه که مشاهده نمودیم، کتابخانه‌ها، مراکز علمی و پژوهشی و آرشیوی در وضعیت خوبی به سر نمی‌برند، این مراکز، علی‌رغم دارا بودن منابع سرشار، به لحاظ ارائه اطلاعات در پایین سطح قرار دارند، بخصوص در حوزه رسانه (رایانه و اینترنت) تقریباً بسیار ضعیف بودند، با صحتی که کردیم تقریباً بخشی از این کم‌کاری محسوس ناشی از فقدان منابع مالی و کمبود بودجه این حوزه هاست که به نظر می‌رسد وزارت علوم روسیه باید قدم بلندی برای این نقیصه بردارد، آنگونه که ما دیدیم روسها، تقریباً چه به لحاظ مواد پژوهشی، منابع، محتوا و چه به لحاظ مراکز علمی و ساختار، در همه بخش‌ها، از غنای بالایی برخوردار بودند، به نظر می‌رسد سطح پژوهش در دوره اتحاد جماهیر شوروی از وضعیت مطلوبتر و بهتری برخوردار باشد، اما پس از فروپاشی شوروی سابق و تشکیل فدراسیون روسیه، رهبران روسیه نسبت به این مقوله تقریباً توجه نداشته‌اند و به جرأت می‌توانم بگویم، تقریباً این حوزه‌های فرهنگی عملاً رها شده است، در صورتی که تردیدی نیست، مباحث تراثی و مطالعات تاریخی، نقشی بنیادی در هویت بخشی به این ملت دارند و سزاوار است که روسها خود را بازیافته و گام‌های نخست را خود بردارند و طبیعتاً در صورت تمایل ما ایرانیان هم در بخشی که به فرهنگ ما مربوط است، کمک خواهیم نمود ان شاء الله. به نظر می‌رسد دست کم در معرفی مراکز فرهنگی روسیه، رادیو روسیه بتواند با برنامه‌های خاصی، در شناساندن این مراکز و نیز تبیین تدریجی نسخ خطی اسلامی و اسناد کهن موجود در کتابخانه‌های عمومی و مجموعه‌های خصوصی در جای جای روسیه، پیشقدم بوده و نقشی بنیادینی داشته باشد.

- از شما بابت این گفتگو، از طرف رادیو صدای روسیه، سپاسگذاریم.

- متشکرم، موفق باشید، خداوند نگهدارتان.

[۱] . این مصاحبه، در چهارشنبه ۱۵ اوت ۲۰۱۲ برابر با ۲۵ مرداد ۱۳۹۱ با رادیوی فارسی زبان صدای روسیه در مسکو، صورت گرفته است. در پی این مصاحبه کوتاه، یک متن مختصر با عنوان "گنجینه خاورشناسی" به همراه فایل صوتی این مصاحبه بر روی وبسایت آن رادیو، منتشر گردید؛ نوشتار حاضر، افزون بر متن وبسایت - با حفظ سطح و نوع ادبیات فارسی آنان - حاوی متن تایپ شده گفتگوی مذکور نیز است که بار دوم، برای خوانندگان در این دفتر نیز منتشر می‌گردد.

[۲] . انستیتو دستنویس‌های شرقی در سنت پترزبورگ، وابسته به فرهنگستان علوم روسیه است.

[۳] . <http://persian.ruvr.ru>